

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۸۰

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۸ شهریور ۱۳۸۶، ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدال گلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

مصاحبه ایسکرا با ناصر اصغری چند سؤال در باره جریانات کردستانی



ناصر اصغری

ایسکرا: ناصر اصغری اخیراً اخباری از رودر روئی افراد سازمان زحمتکشان در سایتها منتشر شده‌اند. اول از هر چیزی میخواهیم نظر شما را بدانیم.

ناصر اصغری: من هم تعدادی نوشته در این باره دیده و خوانده‌ام که بعضی از آنها به زبان کردی نگاشته شده بودند که من متأسفانه نمی‌توانم کردی بخوانم. اما تا جایی که معلوم است و توضیحی که توسط افراد این سازمان در سایت "بروسکه" منتشر شده است، نوشته و گفته‌اند که مسائلی باعث برخوردهای حتی فیزیکی شده است که گویا بعضی‌ها از این موضوع سواستفاده کرده‌اند! وقتی این‌ها می‌گویند که در بین شان برخورد فیزیکی شده، معلوم است چقدر هم‌دیگر را کتک کاری کرده‌اند. ما می‌دانیم که این‌ها تعدادی چاقوکش هستند که در چه ظرفیتی می‌توانند ظاهر بشوند. جدا از کتک

و کتک کاری گویا اموال یک دیگر را نیز، حتی در قلب اروپا به سرقت برده و چپاول بازی راه انداخته‌اند. فقط با پا در میانی پاسبان‌های جلال طالبانی (نیروهای آسایش) بوده که هم‌دیگر را قتل‌عام نکردند و گرنه معلوم نبود چند نفر از هم‌دیگر را می‌کشتند. گویا هنوز هم نیروهای آسایش در اردوگاه‌های آن‌ها مستقر هستند. بهر حال نیروی سیاهی که برای یک هدف سیاه سرهم‌بندی شده بود، اکنون دارد از هم می‌پاشد.

صفحه ۲

پیام حمید تقوائی بمناسبت آغاز سال تحصیلی به جنبش عظیم جهانی علیه اعدام به پیوندید!



حمید تقوائی

اما نتوانسته است اعتراضات را خاموش کند. تلاشهای حکومت تا امروز با تعرض زندانیان سیاسی و تحرك نیروهای بین المللی در اعتراض به اعدامها روبرو شده است. این حرکت اعتراضی که تا همینجا دو روز همبستگی جهانی ۹ اوت و ۷ سپتامبر را فراخوانده است، اکنون به استقبال ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز اعتراض جهانی علیه مجازات اعدام میرود. اولین اقدام جنبش دانشجویی در سال تحصیلی جدید پیوستن فعال و گسترده به این حرکت است.

صفحه ۲

سوسیالیسم یک سنگر مستحکم اعتراض و نقد سوسیالیستی علیه کلیت نظام موجود است. باید این سنگر را با تمام قدرت حفظ کرد، و نبرد برای آزادی و سوسیالیسم را هر چه گسترده تر و فعالتر در کل جامعه به پیش برد. در شرایط حاضر رویارویی با موج سرکوبی که جمهوری اسلامی برپا کرده یکی از لحظات تعیین کننده این نبرد است. جمهوری اسلامی برای مرعوب کردن جامعه به سرکوب هر چه وسیعتر و دستگیریها و اعدامهای جمعی روی آورده است

دانشجویان آزاده!
 جنبش دانشجویی همواره در پیشاپیش جامعه و جنبشهای اعتراضی مردم حرکت کرده است. امروز دانشگاه با برافراشتن پرچم آزادی و برابری و

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) به میدان بیاید همراه جهان، علیه اعدام!

صفحه ۳

نامه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) به سازمان جهانی کار در شکایت به حبس فعالین کارگری

صفحه ۴

۱۸ مهر (۱۰ اکتبر) در اعتراض به اعدام کلاس ها را تعطیل کنید!

صفحه ۴

از میان نامه ها و سؤالات

صفحه ۵

نیروهای مسلح رژیم اسلامی در سندانج یک نفر به اسم ایرج سجادی را کشتند

صفحه ۶

جمعی از کارگران ایران خودرو خواهان پایان دادن به شکنجه و اعدام در سراسر جهان شدند

صفحه ۶



عبدال گلپریان

سران هر دو جناح زحمتکشان برای حقانیت بخشیدن به رفتارهای عقب مانده و ضد انسانی خود نسبت به هم‌دیگر میخواهند از تاریخ چپ و کمونیستی این جریان برای توجیه سیاستهای قومپرستانه و چاقو کشی علیه طرف مقابل را محق جلوه دهند.

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

مصاحبه ایسکرا با ناصر اصغری . . .

خصوصی با عبدالله مهتدی و دوستانش که نداریم.

ایسکرا: تفاوت موضع ما با دیگر افراد و جریاناتی که به سازمان زحمتکشان پرداخته اند در چیست؟ مثلاً منشعبین و... منظورم/است؟

ناصر اصغری: برای این ها، بخصوص این اواخر، پیشمرگایه تی جایگاه ویژه ای دارد. کردستان برایشان به اصطلاح دروازه قدرت بوده و تازگی گویا گفته اند که گارد آزادی شان نقش همان پیشمرگان دوره قدیم را بازی خواهد کرد.

همچنین نگاه عبدالله مهتدی و کورش مدرسی به سیاست به نظر من یک نوع نگاه است. هر دو چشم به بالا برای تغییر و تحول دوخته اند. حالا مهتدی چشم به جورج بوش دوخته، کورش مدرسی چشمش به دولت موقت حجازیانی. نگاهشان به جامعه کردستان و رهبران در جامعه کردستان هم یک نوع نگاه ارباب رعیتی است. برای هر دو این نیروها کردستان مرکز ثقل سیاست است. نیروی نظامی برای هر دو یک جایگاه را دارد. و بسیاری شباهت های دیگر! اما به نظر من آنچه که این دو نیرو را بیشتر از هر چیز دیگر به هم شبیه می کند، این است که هیچ کدام از این ها نماینده هیچ طبقه خاصی در جامعه نیستند. کاریکاتوری از مجاهدین در کردستان هستند. حتی به نظر من بدون اینکه واقعا از این آگاه باشند خودشان را رقیب هم دیگر می دانند!

ایسکرا: شما چطور درباره کسانی که تا چندی پیش در سطوح بالای حزب کمونیست کارگری بودند این چنین حرف می زنید؟

ناصر اصغری: گفتم که من نظر شخصی خودم و بحث سیاسی ام را می گویم. عبدالله مهتدی را که دیگر هیچ کس حاشا نمی کند سر دسته چماق بدستان سازمان زحمتکشان است، زمان نه چندان دوری از رهبران اصلی حزب کمونیست ایران بود، اما در بحث های اقلیت و اکثریتشان گویا او جناح راست و ایلخانی زاده جناح چپ است! اینها به تمام تاریخ گذشته خود نقد دارند و فکر میکنند کلاه سرشان رفته بود. سابقه افراد به درد سیاست نمی خورد. اگر کورش مدرسی از حزب کمونیست کارگری رفته، عبدالله مهتدی هم بالاخره یک سابقه کمونیستی، حتی محکمتر از

ها، جشن آدم برفی ها، مراسم های پرشور ۸ مارس ها، و ده ها نمونه این چنینی.

جامعه ایران در تمام این مدت شاهد بود که کردستان آرمان های انقلاب ۵۷ را زنده نگه داشته است. حالا شما یک چنین جامعه ای را در نظر بگیرید و آن را با سازمان زحمتکشان مقایسه کنید، که وسایل تلوزیون هم دیگر را می دزدند! یک کاریکاتور از پوچی به تمام معنا.

گفتم که کردستان جامعه ای مدرن و امروزی است. در عین حال تحزب یافتن ترین بخش جامعه ایران نیز هست. اگر کسی به اینها بگوید ناسیونالیست، اشتباه می کند. هیچ ناسیونالیستی در این جامعه آینده خودش را به یک جریان فالانژ گره نمی زند. حزب دمکرات کردستان ده ها سال است که برای سخنگو شدن ناسیونالیسم کرد تلاش می کند. اینها که خودشان گفته اند فریب کمونیست ها را خورده بودند، کسی دنبال یک فریب خورده نمی افتد. اینها رفتند و انکایشان بر لپن های جامعه بود. در بهترین حالت یک جریان قوم پرست است که قوم پرستان هم دنبالش نمی افتند چرا که پژاک به نظر من قوم پرست و میلیتانت تر است. من نمی خواهم شعور خوانندگان نشریه شما را کم بگیرم و وارد فرق بین قوم پرستی و ناسیونالیسم بشوم. اینها چیزی مثل "سازمان خه بات" آقای شیخ جلال حسینی هستند.

ایسکرا: به نظر شما تا چه حد اهمیت دارد که ما به این جریان بپردازیم؟

ناصر اصغری: جریانی در کردستان وجود داشت به اسم "سازمان خه بات"، که بالاتر به آن اشاره کردم. حتما یادتان هست که جریانی مثل همین جریان مهتدی - ایلخانی زاده بود. به هر موضوعی تا آنجا که لازم هست باید به آن بپردازیم. ما وقتی که مثلاً مجاهدین را نقد کردیم یک نقد جانانه گذاشتیم روی مواضعشان و جامعه را متوجه این جریان کردیم. ما در حزب کمونیست کارگری اگر به این جریان پرداخته ایم، مردم و نیروهای سیاسی را خطاب قرار داده ایم که ظرفیت فالانژی بالای این جریان را گوشزد کنیم. و گرنه دعوی

ایسکرا: به نظر شما این مسائلی که باعث اختلاف در بین اینها شده از چه ناشی می شوند؛ اصلاً این جریان چه جایگاهی دارد؟

ناصر اصغری: من متأسفانه مسائل شان را از نزدیک دنبال نمی کنم. هر از چند گاهی اینجا و آنجا به مطلب و موضعی از آنها برخورد می کنم. اینها همان موقعی هم که از کومه له جدا شدند گفتند که می روند تا یک جریان قوم پرست تشکیل بدهند. دعوایشان به نظر من دعوی ارباب رعیتی است که هنوز سران این جریان فکر می کنند باید سر اموال فلان روستا بر روی هم دیگر آتش بگشایند. ما در دوره ای که اینها از کومه له و حزب کمونیست ایران جدا شدند وارد بحث و تحلیل از این جریان شدیم. گفتیم که یک جریان فالانژ است که اعلام کرده ظرفیت باند سیاهی دارد. در چند سال گذشته کار اصلی اینها نشست و برخاست با مقامات و نیروهای آمریکائی بوده که آن ها را به حمله به ایران ترغیب کنند! گفتیم که اینها جامعه کردستان را نشناخته اند. گفتیم که اینها کردستان را عوضی گرفته اند.

ایسکرا: منظورتان از اینکه اینها کردستان را عوضی گرفته اند چیست؟

ناصر اصغری: وقتی که در کردستان با رژیم درگیر بودیم، کومه له مجبور به عقب نشینی به مرزهای ایران و عراق شد. به کوه های صعب العبور و روستاهائی که نه رژیم شاه توانسته بود به آسانی به آنها دسترسی پیدا کند و نه رژیم جمهوری اسلامی. طبیعتاً مردم این مناطق از زندگی مدرن و امروزی و یا آنچه که در شهرهای کردستان می گذشت کم خبرتر بودند. به نظر من جریانی که بعداً به نام "زحمتکشان" معروف شد، یک چنین تصویری از کردستان دارد. اما کردستان جامعه ای به شدت مدرن و امروزی است. کارگران در ایران دارند از مبارزه کارگران در نساجی های شاهو و کردستان و پریس و از "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" درس می گیرند. راهپیمائی کارگران سقز در اول ماه مه ۸۳ خبر سازترین خبر چند سال گذشته بوده است. جشن های هر ساله اول ماه مه

پیام حمید تقوایی بمناسبت آغاز سال تحصیلی . . .

از صفحه ۱

فریاد اعتراض اکثریت قریب به اتفاق جامعه را منعکس میکند. مبارزه شما جزئی از اعتراض انسانی کل جامعه علیه فقر، علیه بی حقوقی و تبعیض، علیه دخالت مذهب در دولت و در آموزش و پرورش، علیه آپارتاید جنسی و علیه اعدام و سرکوب است. جوانان و زنان و کارگران و اکثریت عظیم جامعه با شما هستند و از اعتراضات و مطالبات شما پشتیبانی میکنند. کارگران و سکولاریستها و آزادیخواهان جهان نیز با شما و در کنار شما هستند. با تمام قوا برای دفاع از حقوق انسانی خود و برای دفاع از انسانیت بمیدان بیابید و مردم آزادیخواه در ایران و جهان را به حمایت از اعتراضات خود فراخوانید. در برابر نیروی عظیم تمدن و انسانیت هیچ قدرت ارتجاعی تاب مقاومت نخواهد داشت. پیروزی از آن ماست. در این تردیدی بخود راه ندهید.

حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ شهریور ۸۶

دانشگاه میتواند در جنبش علیه مجازات اعدام نقش پیشرو و تعیین کننده ای ایفا کند. اعدام یکی از فجیع ترین بروزات بربریتی است که جنبش دانشجویی در ۱۶ آذر سال گذشته پرچم سوسیالیسم را در برابر آن به اهتزاز درآورد. بگذار شعارهایی چون "نه به اعدام"، "اعدام همه جا و در هر شرایطی ممنوع" و "اعدام قتل عدم دولتی است" در کنار "آزادی و برابری" و "سوسیالیسم یا بربریت" بر سر در دانشگاهها نوشته شود. بگذار ۱۸ مهر امسال دانشگاهها یک سنگر قدرتمند جنبش جهانی علیه اعدام در جامعه ایران باشد.

دانشجویان، دانش آموزان، معلمان!

بازگشائی مدارس و دانشگاهها یک نیروی عظیم اعتراضی را مجتمع میکند و بمیدان می آورد. مبارزه معلمان برای منزلت و معیشت و مبارزه جوانان برای خلاصی فرهنگی و برخورداری از یک زندگی شاد و مدرن انسانی

کورش مدرسی پشت سر خودش داشت، اگر کورش مدرسی از "وحدت انقلابی" دو نفره آمده، عبدالله مهتدی کومه له را با خود داشت. آنچه را که قبلاً مهتدی در دوره حزب کمونیست ایران و مدرسی در حزب کمونیست کارگری نمایندگی می کردند یک چیز دیگری است. امروز به نظر من هر دو شان در یک بستر (کردستان) شریک و در عین حال رقیب هستند.

ایسکرا: از حزب کمونیست ایران و کومه له حرف زدید؛ اینها در این باره چه می گویند؟ کلاً در چه وضعیتی هستند؟

ناصر اصغری: حزب کمونیست ایران یک جناح قوی دارد که درست مثل سازمان زحمتکشان فکر می کنند. کلاً این حزب فکر نکنم وقت زیادی داشته باشد به دیگران فکر کند. کشمکش با این جناح کل وقت آنها را گرفته است.

اما از این گذشته به نظر من کومه له کلاً یک جریان در بن بست

است. در بین ناسیونالیسم و کمونیسم گیر کرده است. افراد زیادی با گرایش کمونیستی در آن تشکیلات هستند. اینها سنتا آنجا مانده اند. هر چه در دنیای سیاست بگذرد، اینها سنتا در کومه له خواهند ماند! بدنه تشکیلات شهری آن با حزب کمونیست کارگری مشکلی ندارد؛ اما رهبری آن، چه جناح راستش و چه جناح چپ آن، به حزب کمونیست کارگری آلترژی دارد.

این هم از سر اخلاقی نیست. دنیا را متفاوت می بینیم.

کومه له نه تماماً پایش در ناسیونالیسم است و نه تماماً پایش در جبهه کمونیسم. بی خود نیست که هر از چند سالی تعدادی "زحمتکشانی" از آن بیرون می زنند. در دوره اوایل حمله آمریکا به عراق ابراهیم علیزاده در یک مصاحبه با رویتر گفته بود که این مسئله می تواند برای کردستان ایران مفید باشد. همین مصاحبه را اتفاقاً حزب

از صفحه ۲

مصاحبه ایسکرا با ناصر اصغری . . .

کمونیست ایران چند روزی هم روی سایت اینترنتی خودشان داشتند بعداً آن را برداشتنند.

همین اواخر هم حمله آمریکا به عراق و رویدادهای بعدی را شرایط انقلابی خوانده بود! صلاح مازوجی هم در نوشته‌ای در نشریه "جهان امروز" نوشته بود که حل مسئله کردستان بدون حل مسئله کرکوک غیرقابل تصور است. و بعد می‌نویسد که اگر آمریکا می‌خواهد مسئله کردستان را حل کند باید اعراب کرکوک را به یک منطقه عرب‌نشین مهاجرت بدهد. البته ایشان برای اینکه به این گفته قومگرایانه خود روتوشی رادیکالی بزنند، از آمریکا و رژیم عراق می‌خواهد که شهرکی با تمام امکانات رفاهی برای این مهاجرین فراهم بیاورد! آمریکایی‌ها حتی نمی‌توانند از قرارگاه‌هایشان از ترس کشته شدن بیرون بیایند، کسی مثل صلاح مازوجی پیدا می‌شود و به آنها دستور می‌دهد که یک شهرک با تمام امکانات رفاهی برای مهاجرین درست کند. در باره ایران هم حب نظرات راست حجاب‌رانی ایرج آذرین را قورت داده‌اند. تزی که گویا لیبرالیسم در ایران با دوم خرداد عروج کرد و می‌رود تا دولت درهم و برهم سرمایه جمهوری اسلامی را به دولت متعارف سرمایه‌داران تبدیل بکند. در این خصوص به خوانندگان نشریه شما توصیه می‌کنم که حتماً بحث کاظم نیک‌خواه در "کارگر کمونیست" شماره ۶۷ را بخوانند.

ایسکرا: ابراهیم علیزاده/ اخیراً درباره منصور حکمت و حزب کمونیست اظهار نظر کرده و گفته است که بعد از کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران دیگر حرف‌های غیرمارکسیستی می‌زده و از این جور چیزها. در این باره نظر شما چیست؟

ناصر اصغری: این‌ها دیگر همه‌اش حرف است. صداقت سیاسی ندارد. اگر درست می‌گوید چرا هیچ بحثی از منصور حکمت را قبل از کنگره دوم حزب کمونیست کارگری در آرشو حیزشان ندارند؟! چرا در دوره جدائی‌ها در کنار مهتدی و ایلخانی‌زاده ایستاد؟! چرا هیستری ضد منصور حکمت در حزب کمونیست ایران بعد از منصور

حکمت حداقل تا قبل از کنگره دوم حککا را سر جایش نمی‌نشانند. از این گذشته اتفاقاً برای رضایت همین ضد منصور حکمتی‌های حیزشان مجبور است چنین حرف‌هایی را سرهم بکنند. برای ایشان نگه داشتن دو نفر دو روز بیشتر در اردوگاه‌های کردستان عراق، مهمتر از دفاع از حقیقت است. کسی کومه‌له را به عنوان جریانی که آینده‌ای دارد و بخواید آینده‌ای جلوی جامعه بگذارد، جدی نمی‌گیرد.

ایسکرا: یک سئوالی هم در باره برخورد یکی از دوستان "فراکسیون" به مسئله سازمان زحمتکشان بکنیم. اصلاً چرا این جریان با این حرارت وارد میدان شده است؟

ناصر اصغری: نوشته‌ای از محمود احمدی دیدم که خیلی تند به یک نامه‌ای از محمد آسنگران برخورد کرده بود. در این مورد خود محمد آسنگران جوابی داده است. اما تا آن‌جائی که به موضع این جریان بر می‌گردد، شاید از سر همان "اتحاد" به موضوع نگاه می‌کنند. شاید فکر کنند که سازمان زحمتکشان هم چون دوره‌ای اعضای از اعضا حزب کمونیست ایران بودند، شاید بشود در دایره اتحاد عوامانه آنها بگنجد.

محمد آسنگران به شیوه قایم شدن پشت اسامی جعلی، مثل نوید بشارت، اعتراض کرده و نامه‌ای به فرستنده‌ی ای‌میل فرستاده که ایشان هم گویا بل گرفته و نامه را با یک توضیح مظلومانه منتشر می‌کنند. با این شیوه نمی‌شود کار سیاسی کرد. من کلاً فکر نمی‌کنم که این جریان آینده روشنی داشته باشد. فکر می‌کنم که به مرور زمان، با مواضع سیاسی که دارند، به خاطره‌ها بپیوندند.

ایسکرا: در آخر بگذار یک سئوال دیگر هم مطرح کنیم: اخیراً هم مصطفی صابر و هم محمد آسنگران در رابطه با این دوستانی که طی هفت هشت سال گذشته از حککا/ایران جدا شده‌اند، ترم "شکست طلبی" داده‌اند. نظر شما چیست؟

ناصر اصغری: شکست طلبی که شاخ و دم ندارد. من هم فکر می‌کنم این‌ها شکست طلب هستند. دیگر اکنون فقط مصطفی و محمد

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) به میدان بیاید
همراه جهان، علیه اعدام!

مردم ایران، زنان و مردان آزاده!

۱۰ اکتبر برابر با ۱۸ مهر روز جهانی علیه اعدام است. امسال قرار است مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را بگذراند و از همه دولت‌ها بخواهد که مجازات اعدام را به حالت تعلیق درآورند. ۱۰ اکتبر تمام دنیا متوجه اعدام یعنی قتل عمد دولتی خواهد شد که هنوز در برخی کشورها از جمله ایران جریان دارد. جمهوری اسلامی که چه از نظر تعداد اعدام به نسبت جمعیت کشور و چه بخاطر اعدام در ملاء عام، رتبه اول را در جهان دارد، مورد اعتراض جهانی قرار خواهد گرفت. در ۱۰ اکتبر همه سرها به سوی ایران خواهد چرخید و این بهترین فرصت است تا کل جامعه ایران به‌مراه همه مردم آزاده دنیا اعلام دارد که اعدام محکوم است. که اعدام یک جنایت سازمانیافته و با نقشه دولت است و باید همه جا ممنوع شود. که اعدام برای مرعوب کردن جامعه و اعلام قدر قدرتی جنایتکاران دولتی صورت می‌گیرد. که اعدام اعلام حاکمیت بی حرمتی برای جان انسان است، قرون وسطائی و وحشیگری است و باید به زباله دان تاریخ فرستاده شود. حزب کمونیست کارگری همه شما مردم آزاده را فرامی‌خواند تا در ۱۰ اکتبر بهر شکل که می‌توانید علیه اعدام به میدان آیید.

کارگران، معلمان، زنان، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان! ۱۰ اکتبر فرصتی است تا به همراه باقی جهان در مقابل این جنایت شنیع دولتی بایستیم و آنرا در هر شکل و شمایلش محکوم کنیم. در هر کارخانه، در هر

دانشگاه و مدرسه و کلاس درس، در هر محله و هر اجتماعی، مجازات اعدام، این جنایت شنیع دولتی را محکوم کنیم. حدود یکماه فرصت هست که برای ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) تدارک ببینیم و به شکلی هرچه قدرتمندتر اعتراض جمعی خود را بیان کنیم. از جمع آوری طومار و ارسال آن برای مقامات و سازمان‌های بین‌المللی مخالف اعدام گرفته، تا برپایی اجتماعات، مراسم سخنرانی و بحث و گفتگو، تا شعار نویسی بر در و دیوار شهر و محیط کار و مدرسه، و بهر شکل ممکن باید علیه اعدام به میدان آمد. اکثریت عظیم مردم ایران شدیداً مخالف اعدام و حکومت اعدام‌اند. این نفرت و نارضایتی باید به جنبشی سازمان یافته تبدیل شود.

مجازات اعدام در هیچ کجای دنیا نظیر جمهوری اسلامی، چنین گسترده و وحشیانه علیه مردم به کار گرفته نمی‌شود. جمهوری اسلامی بیش از صد هزار نفر از بهترین عزیزان ما را اعدام کرده است. و از آنسو جنبشی عظیم و پر قدرت علیه اعدام که در بطن جامعه ایران وجود دارد کم نظیر است. جنبش علیه اعدام در ایران همان نیرویی است که در اعتراض به حکم اعدام کبرا رحمانپورها به میدان آمد، برای نجات جان نازنین فاطمی پیاخت، و در ۷ سپتامبر در پاسخ به فراخوان زندانیان به حرکت درآمد. ۱۰ اکتبر (۱۸ مهرماه) فرصت کم نظیری را فراهم می‌آورد تا این جنبش با توانی صدبار بیشتر در مقابل جمهوری اسلامی و اعدام‌هایش بایستد و صدایش را رساتر از همیشه به گوش جهان برساند.

موعظه می‌کنند صفوف خودشان را از هم خواهد پاشید. اگر جریانی فکر می‌کند که "کاری ارزش ساخته نیست، جامعه راست شده و به حرف کمونیستها گوش نمی‌دهد"، اگر جریانی فکر کند که فرصت‌ها از دستش رفت، نه تنها کسی در جامعه به سراغش نخواهد آمد،

در خارج کشور:

روز ۱۰ اکتبر همه جا در سراسر جهان باید دست به اجتماعات بزرگ زد و خواهان ممنوعیت اعدام در ایران و در سراسر جهان شد. باید به میدان آمد و جمهوری اسلامی و دول آمریکا و چین و سایر دولتهای اعدام‌کننده را بشدت محکوم کرد. باید به میدان آمد و همراه با مردم در ایران در مقابل حکومت صد هزار اعدام دست به اعتراض زد و دنیا را بر سرش خراب کرد. حدود یکماه فرصت داریم که همه جا در خیابانها و میادین شهرها، در تماس با سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان، مردم هرچه بیشتری را به میدان بکشیم، متوجه این عمل شنیع دولتها کنیم و علیه دول اعدام‌کننده و علیه حکومت سنگسار و اعدام جمهوری اسلامی به میدان آوریم.

این فرصت را باید مغتنم شمرد. باید با تلاش همه جانبه فعالین عرصه‌های مختلف و با تلاش شبانه روزی برای کشاندن توده‌های وسیع مردم به اعتراض علنی و وسیع و سازمانیافته روز ۱۰ اکتبر را به یک نقطه عطف در پیشروی علیه اعدام و رژیم صد هزار اعدام تبدیل کرد. حزب کمونیست کارگری در روز ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) چه در داخل کشور و چه در خارج کشور با تمام قوا علیه اعدام بطور کلی و بویژه بر علیه جمهوری اسلامی به میدان خواهد آمد.

دست همه فعالین و مبارزین علیه اعدام را برای برپایی یک ۱۰ اکتبر گسترده و قدرتمند و تاریخی می‌فشاریم.

زنده باد مبارزه جهانی برای لغو مجازات اعدام
پیروز باد جنبش مردم ایران علیه اعدام
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ شهریور ۱۳۸۶
۱۲ سپتامبر ۲۰۰۷

بلکه اعضا و کادرهای آن هم وقت خود را تلف نخواهند کرد. تجربه "مستعفیون" نمونه گویائی است. به نظر من همین یک رقم کافی است که جریانی مثل حزب کورش مدرسی را از هم بپاشد.

باز هم در مورد سازمان زحمتکشان

از صفحه ۱

اظهار می دارند که:

این همان کومه له ای است که اسرای جنگی اش بعد از مدت کوتاهی داوطلب پیوستن به صفوف آن می شدند و یا اینکه بعد از برگشتن به محل زندگی خود تبدیل به صلغین صادق کومه له می شدند.

اشاره اینها به دورانی است که کومه له بعنوان بخشی از حزب کمونیست ایران و در سالهای ۶۲ تا سالهای ۶۹ با اسیران جنگی چنین برخوردهای انسانی داشت. اینها درست می گویند. کومه له طی سالهای فوق عمیق ترین برخوردهای انسانی را با اسیران داشت و نه تنها این بلکه اعتبار و اتوریته کومه له در آن دوران مبدون سیاست و افقی روشن، انسانی و کمونیستی بود که آن هنگام در آن تشکیلات معتبر بود. و بعداً منصور حکمت با تثبیت یک سیاست کمونیستی شفاف که آن هنگام مورد قبول همه بود باعث شد که برخوردهای انسانی جایگاه محکمی در تفکر آن تشکیلات پیدا کند. این اعتبار و این اتوریته بر هیچکسی پوشیده نیست و تاریخ این دوره معین، اسناد و اصول ناظر بر عملکرد و فعالیتهای آن مستند موجود است. از آن تاریخ بعد و قبل از تولد باند زحمتکشان، کومه له دیگر فعالیتی را که بشود در تداوم این افق و سیاست باشد هیچگاه از خود نتوانسته است بروز دهد که یکی از عوامل این پاسیفیسم تولد هر از چند گاهی از جنس زحمتکشان است.

نمی خواهم وارد تمامی عرصه های مختلف فعالیت کومه له در آن تاریخ معین بشوم فقط خواستم نشان دهم که امروز با بالا گرفتن تنش و جنگ و دعوی دو جناح در باند سازمان زحمتکشان هر کدام از آنها دارند انسانیت آن تاریخ را برخ همیدگر می کشند تا بلکه طرف مقابل را بخود آورد و از چاقو کشی علیه خود منع کنند.

جریانی که با عقب مانده ترین روشها و با سرمایه جلال طالبانی اسم کومه له را در جیبش گذاشت و این باند سیاه قوم پرست را سرهم بندی کرد، برای خلاصی از دست همان سیاستهای انسانی بود.

اکنون برای جلوگیری از تیر اندازی بظرف یکدیگر، ناچار شده اند سنتهای آن دوران کومه له را به کمک بطلبند و هر یک به نوبه خود و برای کسب اعتبار و حقانیت خویش به بیان این سنتها روی بیاورند. اما سنت و روشهای آن دوران قرار نیست بداد باندهای قوم پرست برسد. اینها تا خرخره ضدیت و دشمنی خود را با هر آنچه که بویی از انسانیت برده باشد نشان داده اند. سیاستهای لمپنی و جاقوکی را در این ۷ سال بخوبی تمرین کرده اند و همین امروز در اردوگاهشان سر و کله شکستن چاقو کشیدن به روی همیدگر دارد به نرمی متعارف در میان هر دو باند زحمتکشان تبدیل میشود. اکنون هم تنها با وساطت نیروهای آسایش جلال طالبانی مجبور شده اند همیدگر را به خاک و خون نکشند.

اما با این وجود عکسهایی که خودشان از ضربه خوردن و خونین و مالین شدن افرادشان منتشر کرده اند، عمق باند سیاهی اینها و عمق لمپنیسم این جریان را نشان میدهد. این جریان شکست خورده با گزارشات و عکسهایی که منتشر کرده اند صحت تحلیل و سیاستهای ما در قبال این جریان را که سالهای قبل نوشته و گفته بودیم نشان میدهد.

اما اتفاقات اخیر در این سازمان تکرار همان سیاست و فرهنگی است که حزب دمکرات چند ماه قبل جناحهای درگیر آن علیه همیدگر انجام دادند. فرهنگ سطح پایین و لمپنیسم مسلط در صف این جریانات عمق بن بست ناسیونالیسم و قومپرستی این جریانات را نشان میدهد.

* * *

آقای خوان سومایا

دفتر سازمان جهانی کار

Route des
Morillons 4
CH - 1211
Geneva
Switzerland

شماره فکس: ۰۷۶.۷۰
۴۱۲۲۷۹۹

۲۷ اگوست ۲۰۰۷

کمیته آزادی انجمن: در رابطه با جمهوری اسلامی ایران (پرونده شماره 2323)

آقای سومایای عزیز

به دنبال مراسلات چهارم ژوئیه ۲۰۰۷، بدینوسیله آی تی یو سی اطلاعات دیگری را در رابطه با شکایت خود بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران (پرونده شماره ۲۳۲۳ کمیته آزادی انجمن) تقدیم میدارد.

ادامه حبس آقای محمود صالحی

آقای صالحی که هنوز هم در زندان سنجند نگهداری میشود، علیرغم خطر جانی ای که وی را تهدید میکند، پس از افتادن به حالت اغما در زندان، در غروب روز ۱۲ ژوئیه به بیمارستان توحید انتقال یافت. وی فقط مورد معاینات سریایی بیمارستان قرار گرفت و پس از ۱۴ ساعت به زندان بازگردانده شد. وکیل آقای صالحی، آقای شریف گزارش داد که دولت هیچگونه پی گیری ای با مقامات زندان در رابطه با شرایط حبس آقای صالحی صورت نداده است و تمام کوشش وی جهت تأمین این امر که آقای صالحی کمک های پزشکی مناسبی دریافت کنند، بی پاسخ مانده است. در تاریخ ۲۳ اگوست آقای

نامه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) به سازمان جهانی کار در شکایت به حبس فعالین کارگری

اتحادیه سراسری مخصوصا این بود که کارگران ایران را از پیوستن به هرگونه اقدادی که نمیتوانست در آن روز در حمایت از آقای صالحی صورت بگیرد، و از حقوق اتحادیه ای در ایران دفاع نماید، باز دارد. آی تی یو سی قویا از این نظر اتحادیه سراسری پشتیبانی می کند و از این حرکت زبونانه سیستم قضایی ایران در خشم است. آی تی یو سی همچنین مستدلا بر این باور است که برخی از مقامات اجرایی کشور به تشکیل دادگاه فوق الذکر فشار آورده اند، امری که بر روی ادعای استقلال سیستم قضایی کشور سایه می افکند.

علاوه بر این، دادگاه کیفری عمومی سنجند در روز ۱۵ اگوست شیت امانی، پزیدنت هیئت اجرایی اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و صدیق کریمی یکی از اعضای اتحادیه را به دو سال و نیم زندان محکوم نمود. بنا به مقررات دادگاه، که رسماً در روز ۱۵ اگوست ۲۰۰۷ به آنها ابلاغ شد، در مقابل پرداخت مبلغی میشود محکومیت آقای امانی را تا ۶ ماه و محکومیت آقای امانی کریمی را تا یک سال کاهش داد. آقای امانی و آقای کریمی تا همینجا هم بخاطر فعالیت های اتحادیه ای خود و شرکت در بزرگداشت اول ماه مه در سنجند، ماه های چندی را در زندان بسر برده اند.

آی تی یو سی از شما میخواهد این نامه را به مشابه اطلاعات تکمیلی در رابطه با شکایت ما، در اختیار کمیته آزادی انجمن قرار بدهید.

با احترامات فائقه

گای رایدر
دبیر کل

صالحی باردیگر بخاطر کاهش فشار خون به بخش اورژانس بیمارستان توحید برده شده و در همان روز نیز به زندان بازگردانده شد.

مجازات جسمی و دستگیری های فعالین اتحادیه

در روز ۱۶ مه ۲۰۰۷، ۱۱ تن از اعضای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران که در فعالیت های اول ماه مه ۲۰۰۷ اتحادیه در سنجند شرکت داشتند، توسط دادگاه انقلاب شهر سنجند، به اختلال در آسایش عمومی از طریق شرکت در گردهم آیی غیر قانونی و بروز رفتار غیرمعمول، متهم گردیدند. اسامی آنها از این قرار است: خالد سواری، یدالله مرادی، حبیب الله کله کانی، فارس گوئیان، صدیق امجدی، صدیق صبحانی، عباس اندریاری، محی الدین رجبی، طیب ملائی، طیب چتانی و اقبال لطیفی.

در روز چهارم اگوست ۲۰۰۷، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری عمومی سنجند آنها را به ۹۱ روز زندان و مجازات جسمی ۱۰ ضربه شلاق فوری محکوم نمود. تمام این ۱۱ نفر از حق خود برای فرجام استفاده کردند. ما اطلاع داریم که این احکام تا زمان نوشتن این نامه هنوز به اجرا در نیامده است.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران به آی تی یو سی نامه ای نوشت و توجه همه را به این واقعیت جلب کرد که این احکام مدت کوتاهی پیش از روز ۹ اگوست ۲۰۰۷، که آی تی یو سی و فدراسیون اتحادیه های بین المللی کارگران (آی تی اف) مشترکاً در همبستگی با کارگران ایران به یک اقدام بین المللی فراخوان داده بودند، به آنها تسلیم شد. هدف این احکام به دیده

مردم! جمهوری اسلامی را عقب برانید! علیه رژیم اعدام و سنگسار و زندان در داخل و خارج کشور به میدان بیایید!

از میان نامه ها و سؤالات

سیاوش: چرا انسانها باید با هم برابر باشند؟ اگر اینطور باشد که زندگی یکنواخت و کسل کننده است. در حال حاضر در تمام دنیا هر کس برای رسیدن به خواسته هایش تلاش می کند و حس رقابت وجود دارد، در یک جامعه کمونیستی چه دلیلی دارد برای رسیدن به چیزی تلاش کرد وقتی هر چه بخواهید برایتان تامین می شود بدون اینکه زحمتی برایش بکشید؟

گلبریان: سؤال این است که چرا انسانها باید نابرابر باشند؟ فعلا تا این لحظه از تاریخ زندگی بشر، انسانها نابرابر بوده اند و این نابرابری همچنان ادامه دارد. انسانها بطور واقعی و طبیعی باید برابر باشند اما مناسبات سرمایه داری موجود در دنیا و مناسبات و دورانهای ماقبل سرمایه داری نیز این نابرابری را عرضه کرده است و از قبل آن دارد به حیات پر از تبعیض و استثمار خویش ادامه میدهد. ما داریم در نقد وضعیتی صحبت می کنیم که حی و حاضر و به قدمت تاریخ بشر وجود داشته یعنی نابرابری. اگر برابر بودن انسانها جای سؤال باشد، پس یعنی قبول و تمکین به وضع موجود که انباشته شده از نابرابری، بی حقوقی، تبعیض، فقر، کشتار و بی مسکنی و این یعنی تمکین به همین وارونگی و تاریکی زندگی بشر. کسی که برابر بودن انسانها برایش جای سؤال باشد، لابد در بغای این نابرابری منفعتی را جستجو می کند. منظورم این نیست که شما اینگونه می پنداری بلکه منظورم پاسخ به محتوای سؤال شما است و اما در مورد کسل کننده بودن، هرکسی می تواند لحظه ای در زندگی امروز خویش عمیق شود که اگر زندگی راحت و مرفهی داشته باشد، زندگی و آینده اش تضمین شده باشد، در جامعه دارای قرب و احترام و منزلت باشد و دهها نمونه دیگر از این قبیل، آیا به نظر شما این کسل کننده است؟ من از شما می پرسم چند درصد و چه کسانی در دنیا وجود دارند که خواهان وضع موجود باشند؟

وضعیتی که به جهنم شباهت دارد تا زندگی انسانی. کسل کنندگی را باید در استثمار، فقر، نابرابری، زندان و کشتار انسانها تعییر و تعریف کرد نه در برقراری قرب و منزلت آزاد و برابر انسانها. زندگی بشر که امروز به جهنمی برای مردم تبدیل شده لابد خیلی "شیرین و زیباست" چون یکنواخت نیست و پر از "تنوع و خیلی هم رنگین است". بی پایگی و کسل کنندگی مناسبات حاکم بر دنیای امروز، این است که هرکس برای رسیدن به خواسته های خودش تلاش می کند و حس رقابت وجود دارد. اما تلاش مردم و بشریت امروز بخاطر یک زندگی انسانی و در خور شان انسان است و جامعه این تلاش را در مبارزه روزمره خود نشان می دهد. رقابت زائیده مناسبات سود و سرمایه است و در سطح تولید و انباشت سود و سرمایه خود را نشان می دهد. خواهی نخواهی بازتاب رقابت بر بسترنباشت سود و سرمایه، در مناسبات انسانها در جامعه هم تاثیر خود را بجای می گذارد.

در جامعه کمونیستی هیچ دلیلی برای تلاش آنها بخاطر سیر کردن شکم گرسنه یا مال بیشتر و کسب سود و ثروت، محلی از اعراب ندارد. اما نیازمندی انسانها در یک جامعه کمونیستی اینگونه نیست که گویا برای آن زحمتی کشیده نشده است، از آسمان هم که نازل نخواهد شد. مردم در یک جامعه کمونیستی همگی در بخشهای مختلف تولیدی و خدماتی به کار مشغولند، همچون اشتغالی که هم اکنون در هر جای دیگری هست اما با این تفاوت که مالکیت در انحصار دولت و سرمایه داران قرار ندارد بلکه بر اساس قوانین و موازینی که این مالکیت را در سطح جامعه سازمان داده است قرار می گیرد، استثمار انسان از انسان در کار نخواهد بود در نتیجه تولید کننده در جامعه کمونیستی بر اساس توانی که بخرج می دهد کار میکند و در تولید و امورات جامعه نقش دارد. بنابر این هر انسانی حق دارد که به اندازه نیازش هم از نعمات

موجود استفاده کند.

اما اجازه بدهید مسئله را طور دیگری نگاه کنیم. فرض کنید همه انسانها اکنون برابر بودند و هیچ کسی گرسنه نبود، هیچ انسانی انسان دیگری را استثمار نمی کرد، هیچ کسی بی مسکن نبود و همه انسانها میتوانستند به اندازه نیازشان از نعمات زندگی بهرمنند شوند و...

در چنین جامعه ای اگر کسی می آمد و میگفت این سیستم خوب نیست باید تعدادی گرسنه باشند، تعدادی از گرسنگی و بی دارویی باید هر روزه بمیرند و تعداد بسیار قلیلی باید بقیه بشر این سرزمین را استثمار کنند و... آیا به این آدم فرضی نمیگفتند دیوانه شده و حرفهای عجیب و غریب میزند؟

سیاوش: چرا شما برای کردها حق جدایی قائلید؟ قبلا ایران را چندبار تکه تکه پاره کرده اند و قسمتهای زیادی از آن را گرفته اند. ما همه ایرانی هستیم و از یک خاکیم و فرهنگ تاریخمان هم یکی است و از گذشته های دور کردستان همیشه جزو خاک ایران بوده است. حالا چرا کردها باید از ایران جدا شوند؟

گلبریان: این سؤال شما را در شماره های قبل و در پاسخ به خواننده گان دیگر ایسکرا داده ام. شما را رجوع میدهم به ایسکرا ۳۷۹ و ۳۷۷ منتها در مورد بقیه سؤالات که "ما همه ایرانی هستیم و از یک خاک و..."، پاسخ ما به مسائل و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم در جامعه، از سر منفعت انسانها در آن جامعه است. قبل از اینکه نژاد و یا خاک موضوعیت داشته باشد، انسان و انسانیت سر لوجه تمامی مفاهیم زندگی بشر است. تراشیدن و برجسته کردن نژاد، قبیله، قوم و ملیت و مذهب و تقدیس خاک و غیره، جز اختراعات مناسبات و سیستم طبقاتی است ای که از زمان پیدایش قبیله و دولت تا کنون ما شاهد این مقولات هستیم و در هر زمانی مقولاتی از اینها از بین رفته و مقولات دیگری جای آنها را گرفته است.

ضرورت آن هم از سر انباشت سود، ثروت و قدرت طبقات دارا در دولت است. امروزه نیز پاسخ بی

حقوقی مردم در بخشی از کشور را نمی توان با افق کور و مخرب ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی داد. اگر اتحادی میان مردم در یک کشور متصور است، تنها اتحادی طبقاتی است. اگر خاک معنی و مفهومی داشته باشد، باید در خدمت به انسانهایی باشد که در آنجا سکونت دارند نه برعکس. با چنین موضعی نمی توان درد و مشکلات مردم در جامعه را پاسخ داد. اینها شعار و خط و برنامه ناسیونالیسم ایرانی است که ایرانی گری و خاک و تاریخ را برای تداوم هر چه بیشتر نفاق، دشمنی در میان مردم و به منظور تداوم استثمار و بی حقوقی در میان جامعه بکار می بندند. نژاد، خاک، فرهنگ و تاریخ نه تنها نمی تواند کوچکترین رفاه و آسایشی برای شهروندان جامعه ایجاد کند بلکه در طول تاریخ و با بدست گرفتن این عبارات توسط دولتها و نظامهای مختلف، انسانهای بیشتری به خاک و خون کشیده شده اند. تاریخ جنگهای بشر که در آن میلیونها انسان کشته شده اند، برای دفاع از میهن و خاکی بوده است که در آن منفعت مادی و زمینی یک طبقه استثمارگر را تامین کند. خاک و نژاد برای طبقه کارگر هیچ تقدسی ندارد. خاکی و زمینی که من نوعی در آن حتی یک سربنده امن در آن نداشته باشم و حتی برای بعد از مرگ هم باید پول همان زمین را پرداخت کنم تا زندگان بتوانند جسد مرا دفن کنند، چه قدوسی می تواند داشته باشد.

حتما این خاک برای کسی که مالک آن است مقدس است زیرا مالکیت مقدس است. اما در مورد مسأله کرد، نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خونین مردم و وجود جنبشهای اعتراضی و طرح خواست خودمختاری و فدرالیسم از جمله در کردستان ایران در رژیمهای سلطنتی و اسلامی، حزب کمونیست کارگری بعنوان یک اصل مخالف هر نوع ستمی بر مردم است. بنابر این در مقابل دولتهای سرکوبگر و در مقابل خواست خودمختاری و فدرالیسم که مسئله ملی را نهادینه میکند ما از دو مقوله معین حرف زده ایم. ۱- رفع هر نوع ستم ملی و زندگی مشترک با بقیه مردم ایران با

حقوق مساوی و یا ۲- حق جدایی و تشکیل دولت مستقل از طریق یک فرآیند آزاد.

بنابر این ما در درجه اول خواهان رفع هر نوع ستم ملی و حقوق مساوی برای همه شهروندان مستقل از ملیت، مذهب و نژاد و... هستیم. و تلاش میکنیم که مردم در صلح و امنیت و آسایش در کنار هم زندگی کنند. اما اگر مردم کردستان به هر دلیلی به این راضی نشدند دو راه بیشتر نماند. یا باید سرکوب و خون پاشیدن به جامعه همچنان ادامه داشته باشد و ناسیونالیستهای دو طرف درگیری مردم را گوشت دم توپ کنند و یا حق جدایی را برسمیت بشناسیم و طی یک فرآیند مردم رای به ماندن یا جدایی بدهند. به نظر ما هر نوع اقدام قهر آمیز و نظامی برای جلوگیری از خواست مردم به ضرر جامعه است.

حزب کمونیست کارگری خواهان حل فوری مسئله کرد در ایران از طریق برگزاری یک فرآیند آزاد در مناطق کرد نشین غرب ایران زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی است. این فرآیند باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در فرآیند، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری خواهان اتحاد داوطلبانه همه مردم است. ما در چنین فرآیندی از مردم میخواهیم که به جدایی رای ندهند. اما اگر برخلاف سیاست ما مردم به جدایی رای دادند ما به انتخاب آنها احترام میگذاریم و تلاش میکنم که کارگران و مردم بتوانند از زندگی بهتری برخوردار شوند و در آن جامعه فرضی مثل دیگر مناطق ایران برای انقلاب سوسیالیستی به فعالیت خود ادامه میدهم.

موضع رسمی حزب کمونیست کارگری در هر مقطع بر مبنای یک بررسی مشخص از موقعیت موجود و مصالح و منافع کل طبقه کارگر و مردم کارگر و زحمتکش در کردستان بطور اخض تعیین خواهد شد. (یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری ایران). امیدوارم پاسخ به سؤال شما را در این خصوص داده باشم. موفق باشید.

ازصفحه ۵

از میان نامه ها و سؤالات

نجات از پیرانشهر: با سلام این گزارش کوتاه را برای ایسکرا فرستادم و سؤالی هم در این رابطه داشتم. در ارومیه شرکتی هست به اسم بهیرو که دارای پنج واحد است. این شرکت یک مرغداری می باشد که وجوه تولید می کند در یکی از واحدهای آن ۱۲ نفر کارگر به کار اشتغال دارند و تمام شرکت هم در مالکیت یک نفر است. کار در این شرکت سخت و زمان کار طولانی. حقوق ماهیانه یک کارگر ۱۷۰ هزار تومان است. چندی پیش یکی از کارگران این شرکت بدون اینکه کسی از او پشتیبانی کند به تنهای اعتراض کرده و رفته شکایت کرده و تمام حق و مزایای خودش را گرفته است. این کار نشان داد که می توان به تنهایی هم حق را از کارفرما گرفت خواستم در این مورد نظر شما را بدانم.

گلبریان: نجات عزیز با تشکر از ارسال گزارش و همچنین طرح سؤالات در این زمینه. اینکه این کارگر برای گرفتن

حقوق دست به اعتراض و شکایت زده، کار خوبی کرده است. باید اعتراض کرد، باید حق را از حلقوم کارفرما و دولت بیرون کشید. اما مبارزه فردی و تک نفره معمولاً با جواب سربالا پاسخ میگیرد. شکنده است، کارفرما و یا دولت می توانند براحتی سرش را زیر آب کنند. تلاش این دوست کارگر موفق بوده اما این امر استثنا است نه قاعده. کارگران برای رسیدن به مطالبات خود و برای بهبود شرایط کار و دستمزد بالاتر لازم است با همه همکاران خود متحد و هماهنگ مبارزاتشان را پیش ببرند. مبارزه طبقه کارگر فردی نیست بلکه یکی از مکانیزمهای اصلی اعتراض و مبارزه طبقه کارگر، اعتراض و مبارزه دسته جمعی کل کارگرانی است که در واحد تولیدی کار می کنند و نه تنها این بلکه پشتیبانی و همبستگی بخشهای مختلف تولیدی دیگر از یک شهر گرفته تا سراسر کشور مهمترین سلاح طبقه کارگر در مقابل سرمایه داران است.

قدرت طبقه کارگر در اتحاد و تشکل اوست و این را باید در میان کارگران تقویت کرد. کارفرما و دولت در بسیاری از مواقع این طرفندها را بکار می بندند که در پاسخگویی به اعتراض یک یا دو نفر و برای ایجاد تفرقه و چند دستگی در میان کارگران، به چنین حرکتی دست بزنند. در هر حال ممکن است بطور مشخص همین کارگر، دستمزد ناچیزی را هم که باید دریافت کند به موقع بهش پرداخت نکرده باشند و او هم دست به اعتراض زده باشد. در چنین حالتی هم باید کارگران دیگر از او پشتیبانی بعمل آورند و یا خود این کارگر در جهت تقویت صفوف متحد بقیه همکارانش، آنها را به این اعتراض و حتی برای خواست اضافه دستمزد و بسیاری از مطالبات دیگرشان فرابخواند. قانونمندی مبارزه طبقه کارگر، مبارزه و اعتراض متحدانه و دسته جمعی است این قانونمندی را باید هرچه بیشتر تقویت و گسترده ساخت. همچنان منتظر گزارش، خبر و سؤالات شما هستیم. موفق باشید.

* * *

۱۸ مهر (۱۰ اکتبر) در اعتراض به اعدام کلاس ها را تعطیل کنید!

دانشجویان، دانش آموزان، معلمان و اساتید دانشگاه ها!

روز ۱۰ اکتبر برابر با ۱۸ مهر ماه روز جهانی علیه اعدام است. امسال سازمان ملل در مجمع عمومی خود طی قطعنامه ای از تمام دولتهایی که هنوز مبادرت به اعدام میکنند میخواند تا مجازات اعدام را تعلیق نمایند. جمهوری اسلامی در پیشاپیش صف اعمال اعدام این قتل عمد دولتی، این جنایت سازمانیافته دولتی است. جمهوری اسلامی اعدام را به شنیع ترین و ضد انسانی ترین شکل چه بصورت سنگسار و چه بصورت اعدام در ملاء عام و یا نمایش اعدام های دسته جمعی در تلویزیون به

بداند که مردم ایران مخالف اعدام است. بگذار همه دنیا صدای جامعه ایران که جمهوری اسلامی و اعدام و سنگسار را نمی خواهد با قدرت بشنود. بگذار با تعطیل کلاس ها اعلام کنیم که ما هم مثل باقی مردم دنیا خواهان توقف فوری اعدام هستیم و رای به الغاء آن میدهیم.

۱۸ مهر، ۱۰ اکتبر، علیه اعدام، کلاس ها تعطیل است! گسترده باد مبارزه مردم جهان علیه اعدام! پیروز باد مبارزه مردم ایران علیه اعدام و رژیم اعدام! مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

سازمان جوان کمونیست ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۷، ۲۳ شهریور ۱۳۸۶

نیروهای مسلح رژیم اسلامی در سنج یک نفر به اسم ایرج سجادی را کشتند

مردم آزادیخواه کردستان را به مقابله با این سیاستهای سرکوبگرانه فرا میخوانیم. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تسلیت به خانواده سجادی این جنایت رژیم اسلامی را محکوم میکند. مردم آزاده سنج ضمن همدردی با این خانواده باید خواهان معرفی و محاکمه این قاتلان شوند. مردم فقط با اعتراض و همبستگی خود میتوانند به این جانباختن افسار بزنند و مانع جنایات و قتل و کشتار بیشتر بشوند.

بر اساس خبر رسیده هفته گذشته شب هنگام نیروهای مسلح گشتی رژیم اسلامی در سنج یک نفر به اسم ایرج سجادی را به گلوله بستند. گفته می شود ایرج سجادی در راه بازگشت به منزل خود، مورد تیر اندازی مأموران دولتی قرار گرفته و بشدت زخمی میشود. متأسفانه آقای سجادی پس از چند روز بر اثر شدت جراحات جان خود را از دست داد. جمهوری اسلامی در چند ماه اخیر با دستگیری های متناوب، صدور احکام زندان، تیراندازی به مردم هم در مسیر مرز ایران و عراق و هم در شهرهای کردستان بر شدت سیاست سرکوبگرانه خود افزوده است. ما ضمن محکوم کردن این توحش رژیم اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ شهریور ۱۳۸۶ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۷

جمعی از کارگران ایران خودرو خواهان پایان دادن به شکنجه و اعدام در سراسر جهان شدند

شده اند. کارگران همچنین خواهان آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی شده اند.

حزب کمونیست کارگری همه مردم را به پیوستن به جنبش جهانی علیه اعدام فرا میخواند.

زنده باد مبارزه جهانی برای لغو مجازات اعدام پیروز باد جنبش مردم ایران علیه اعدام مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۳ شهریور ۱۳۸۶ ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۷

جمعی از کارگران ایران خودرو در اطلاعیه ای که روز ۲۲ اردیبهشت (۱۳ سپتامبر) به مناسبت سالروز جانباختن رفیق کارگزاران پیمان رضی لو منتشر کرده اند، ضمن اعتراض به ساعت کاری اعلام شده از طرف شرکت و محدودیت کارگران در ماه رمضان و بسته شدن رستورانهای کارخانه، یاد همکاران جانباخته خود از جمله پیمان رضی لو، امید اولادی و علی اکبر شورگشتی را گرامی داشته اند. کارگران ایران خودرو در اطلاعیه خود همچنین به حرکت جهانی علیه اعدام پیوسته، اعدام جوانان را شدیداً محکوم کرده و خواهان لغو شکنجه و مجازات اعدام در سراسر جهان

سوسیالیسم پیاخیز!

برای رفع تبعیض

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!